



Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 09 January 2024
Accepted 30 June 2024
Published online 07 September 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 2, pp 115-146



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

Trust and Terrorism: A Sociological Study of West Asia (2007-2020)

Abolfazl Delavari ¹, Reza Khalili ², Hamed Mehraban inchebroun ^{2*}

¹ Associate Professor, Department of Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

³ Ph.D. candidate of political science at Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: h_mehraban97@atu.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Delavari, A., Khalili, R., & Mehraban inchebroun, H. (2024). Trust and Terrorism: A Sociological Study of West Asia (2007-2020). *Strategic Studies Quarterly*, 27(2), 115-146. doi: 10.22034/srq.2024.434713.4125



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

The rise of West Asia as a hub for various terrorist groups, many of which are linked to Islam and operate on a global scale, has led to a growing connection between global terrorism and Islam. According to data from the “National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (START),” between 2012 and 2017, 17 terrorist groups conducted attacks in Europe, compared to 148 in the West Asia and North Africa. A key concern, beyond the number of active terrorist groups, is the severity of their violence. For instance, during this period, ISIS alone was responsible for 5,646 terrorist attacks, resulting in 39,744 deaths and 856 injuries. In 2012, Europe saw 13 attacks, while Iraq recorded 319. By 2017, Europe experienced 40 attacks (14 in Russia), whereas Iraq faced 1,160 attacks.

In explaining the factors behind the rise of terrorist groups and the intensity of their violence, particularly in West Asia, experts and analysts have pointed to various causes such as political instability, economic conditions, cultural characteristics, and psychological disorders. While each of these factors can shed light on aspects of the issue, it is essential to recognize that “terrorism is primarily linked to social factors.” Unlike criminal activities driven by selfish motives, terrorists often believe their actions serve a collective, altruistic goal, highlighting a deeply social dimension. Therefore, social factors, especially community-level trust, play a crucial role in understanding the formation of terrorism and the behavior of terrorists.



Methodology

The paper adopts a quantitative approach, is periodical in nature, and relies on secondary data sources such as The Legatum Prosperity Index, the Global Terrorism Database, and START. Trust and terrorism are examined as the independent and dependent variables, respectively. Data analysis was conducted using SPSS version 22. The study focuses on West Asian countries, with sampling performed using the hierarchical clustering method known as “Ward.”

Result and discussion

Qatar ranks highest in institutional trust, with an impressive average score of 98, while Yemen lags far behind with a score of just 11, indicating the weakest institutional trust. In terms of generalized interpersonal trust, Yemen surprisingly leads with a score of 81, whereas Iraq records the lowest score at 31. On the international trust front, Qatar again performs well with an average score of 60, contrasting sharply with Iraq, which has the lowest score of 20.

Throughout the studied period, Iraq experienced a total of 6,205 terrorist attacks, averaging 443 attacks per year. Syria had the highest number of terrorist groups, with a total of 74 operating in the country, resulting in an average of over five groups conducting terrorist operations annually. Iraq also recorded the highest intensity of violence, with approximately 53,000 casualties, meaning that around 4,000 people were killed or wounded in the country each year.

Out of the nine possible correlations between the three levels of trust and various components of terrorism, five showed significant relationships. Specifically, there was a significant correlation between interpersonal trust and the number of attacks; institutional trust was significantly related to both the intensity of violence and the number of attacks; and international trust had a significant connection with both the number of terrorist groups and their attacks.

Conclusion

In general, this research aligns with the findings of other scholars in showing that in societies with high levels of interpersonal trust, the formation of terrorist groups is more likely, while an increase in institutional trust correlates with a decrease in violence. However, a unique finding of this study is that a rise in international trust has led to an increase in both the number of terrorist groups and their attacks in West Asia. This divergence from other research may be attributed to the deep roots of Islamic culture in the region and the anti-social tendencies of authoritarian rulers in West Asian countries, who, while engaging with globalization, lean toward liberalism. Therefore, it can be concluded that the lack of mature institutional structures in the region prompts citizens to respond by forming or joining terrorist groups, escalating both the number of attacks and the intensity of violence

Keywords: *Interpersonal Trust; Institutional Trust; International Trust; Sociological Analysis of Terrorism; West Asia*



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت‌شده در تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۲
اصلاح‌شده در تاریخ ۰۱ خرداد ۱۴۰۳
پذیرفته‌شده در تاریخ ۱۰ تیر ۱۴۰۳
منتشرشده در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۴، صفحه ۱۱۵-۱۴۶



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

تبیین اجتماعی تروریسم در غرب آسیا؛

تأثیر اعتماد بر تروریسم در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰

ابوالفضل دلاوری^۱، رضا خلیلی^۲، حامد مهربان اینجه‌برون^{۳*}

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
 ۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
 ۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- * ایمیل نویسنده مسئول: h_mehraban97@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی/اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

دلاوری، ابوالفضل، خلیلی، رضا، و مهربان اینجه‌برون، حامد. (۱۴۰۳). تبیین اجتماعی تروریسم در غرب آسیا؛ تأثیر اعتماد بر تروریسم در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۲)، ۱۴۶-۱۱۵. doi: 10.22034/srq.2024.434713.4125

برای تبیین تروریسم در غرب آسیا به‌ویژه پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تلاش‌های بسیاری صورت گرفته، اما حاصل این تلاش‌ها عمدتاً منجر به تبیین‌های اقتصادی، سیاسی یا روان‌شناختی شده و تبیین اجتماعی تروریسم، به‌ویژه با تمرکز بر مولفه اعتماد، مورد توجه چندانی نبوده است. بر این اساس، در مقاله حاضر این پرسش مورد توجه قرار گرفته که اعتماد چه تأثیری بر تروریسم در غرب آسیا داشته است؟ در پاسخ به پرسش مذکور فرض بر این است که میان اعتماد به عنوان یک متغیر اجتماعی و تروریسم در غرب آسیا رابطه معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه میزان همبستگی میان داده‌های اعتماد به عنوان متغیر مستقل و تروریسم به عنوان متغیر وابسته با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ تحلیل شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندمتغیره از نوع گام به گام حاکی از آن است که اعتماد بین‌المللی به ترتیب ۳۶ و ۸۲ درصد از تغییرات تعداد گروه‌های تروریستی و تعداد حملات آنها را تبیین می‌کند، در حالی که اعتماد نهادی تقریباً ۲۳ درصد از تغییرات شدت خشونت اعمالی توسط گروه‌های تروریستی را توضیح می‌دهد. با توجه به مقادیر پنا، می‌توان گفت اعتماد بین‌المللی بر تعداد گروه‌های تروریستی و تعداد حملات آنها تأثیر مثبت و اعتماد نهادی بر شدت خشونت گروه‌های تروریستی تأثیر منفی داشته است.

کلیدواژگان: اعتماد بین‌فردی، اعتماد نهادی، اعتماد بین‌المللی، تبیین اجتماعی تروریسم، غرب آسیا.



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

انفجار برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ باعث شد مسئله تروریسم در مرکز توجه جهانی قرار گیرد. پس از آن بود که این موضوع با بنیادگرایی اسلامی در منطقه غرب آسیا پیوند خورد و با شدت و ضعف همواره مورد توجه جامعه بین‌المللی و همچنین پژوهشگران قرار گرفت. تبدیل شدن غرب آسیا به کانون گروه‌های مختلف تروریستی منتسب به اسلام که برخلاف سایر گروه‌های تروریستی، خشونت را در سطح جهانی اعمال می‌کنند، باعث پیوند اقدامات تروریستی در سطح جهانی با اسلام شده است. به طوری که بر اساس داده‌های «کنسرسیوم ملی مطالعه تروریسم و پاسخ به آن یا استارت»^۱ بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷،

هفده گروه تروریستی در اروپا حملات تروریستی انجام داده‌اند، در حالی که این تعداد در خاورمیانه و شمال آفریقا ۱۴۸ مورد بوده است. بنابراین، می‌توان گفت تعداد گروه‌های تروریستی فعال در منطقه مذکور تقریباً نه برابر اروپا بوده است. نکته مهم علاوه بر تعداد گروه‌های تروریستی فعال، میزان شدت خشونت اعمالی از سوی آنها بوده است؛ به طوری که در حد فاصل سال‌های مورد بررسی، داعش به تنهایی ۵۶۴۶ حمله تروریستی را به ثبت رسانده که در نتیجه آن به ترتیب ۳۹۷۴۴ و ۸۵۶ کشته و مجروح بر جای گذاشته است. از حیث تعداد حملات نیز، در سال ۲۰۱۲ در اروپا سیزده حمله رخ داد، در حالی که در عراق ۳۱۹ حمله به ثبت رسید. در سال ۲۰۱۷، مجموع حملات تروریستی ثبت شده در اروپا ۴۰ مورد بود (از این تعداد، چهارده حمله در روسیه بود)، در حالی که این حملات فقط در عراق ۱۱۶۰ مورد بود^۲ (START, 2019).

گروه‌های تروریستی در غرب آسیا اصولاً جمعیت زیادی از مسلمانان تندرو را جذب می‌کنند. بنابراین به دلیل تعداد زیاد گروه‌های تروریستی و شمار زیاد پیروان آنها در این منطقه

^۱. National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (START)

^۲. ذکر این نکته مهم است که کنسرسیوم مذکور از حیث گفتمانی کاملاً در زمره کشورهای غربی قرار دارد که از بنیان با با گفتمان جمهوری اسلامی ایران در رابطه با تروریسم تضاد دارند. به طوری که برخلاف نگرش نویسندگان، این کنسرسیوم گروه‌هایی مانند انصارالله یمن (حوثی‌ها) را به عنوان تروریست معرفی می‌کند. در حالی که ما معتقدیم گروه‌هایی مانند حوثی‌ها در محور مقاومت قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، در مقابل دخالت نابجای قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مسائل داخلی و منطقه‌ی غرب آسیا، استعمار کشورهای منطقه و... مقاومت را در پیش می‌گیرند. نویسندگان اما سعی دارند فقط داده‌های ارائه شده توسط استارت که مربوط به مکان، زمان، تعداد مجروحان و مرگومیر ناشی از حملات تروریستی و... بود را مورد استفاده قرار دهند. بنابراین، از حیث گفتمانی کاملاً با دیدگاه آن مخالف است.

در مقایسه با سایر مناطق جهان، شدت اعمال خشونت و تعداد حملات آنها، فعالیت تروریستی اغلب این گروه‌ها با اسلام به عنوان ایدئولوژی غالب در جوامع منطقه پیوند خورده و بدین ترتیب نوع خاصی از اسلام‌گرایی به نوعی تداعی‌کننده تروریسم در سطح جهانی شده است.

دانشمندان علوم سیاسی و پژوهشگران این حوزه در توصیف و تبیین عوامل و دلایل شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و شدت خشونت آنها به‌ویژه در غرب آسیا، از علل سیاسی (آذین و سیف‌زاده، ۱۳۹۴؛ صنوبر، ۱۳۹۳: ۲۳؛ عطوان، ۱۳۹۵؛ Rotberg, 2002؛ Cinar, 2009: 114-115) و شرایط اقتصادی (Gurr, 1970؛ Taylore, 2002: 15؛ شیخی، ۱۳۹۶؛ دمیرجان، ۱۳۹۴) و گاه ویژگی‌های فرهنگی (کلانتری و نوری، ۱۳۹۳: ۱؛ نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴؛ علی، ۱۳۹۴: ۱۲۲) و اختلالات روان‌شناختی (Frings, 2015: 210؛ Bozorgmehri, 2019؛ پورسعید، ۱۳۹۳: ۷-۹) سخن گفته‌اند. گرچه هر کدام از این عوامل و دلایل قادر به تبیین بخشی از مسئله هستند، اما واقعیت این است که «تروریسم در وهله نخست با عوامل اجتماعی پیوند خورده است؛ زیرا برخلاف فعالیت‌های جنایت‌کارانه که به دلایل خودخواهانه انجام می‌شوند، تروریست‌ها غالباً عقیده دارند که اقدامات آنها برای یک هدف جمعی نوع‌دوستانه صورت می‌پذیرد» (Helfstein, 2014: 363) که این نوع نگرش حاکی از برداشتی کاملاً اجتماعی است. به همین جهت، عوامل اجتماعی، به‌ویژه اعتماد در سطح جامعه، می‌تواند در توضیح شکل‌گیری تروریسم و اقدامات تروریست‌ها نقش برجسته‌ای داشته باشد.

با توجه به اینکه کشورهای غرب آسیا از تفاوت‌های درونی و بیرونی بسیاری برخوردارند و به‌ویژه طی دو دهه نخست قرن ۲۱ در کانون فعالیت‌های تروریستی قرار داشته‌اند، بررسی زمینه‌های اجتماعی چنین فعالیت‌هایی از منظر تأثیر و تأثرات اعتماد برون‌گروهی و درون‌گروهی بر شکل‌گیری تروریسم، میزان اعمال خشونت و تعداد حملات آنها بسیار حائز اهمیت است. به همین جهت، پژوهش حاضر بر آن است تا نوع رابطه و میزان اثرگذاری اعتماد بر تروریسم را در دوره‌ای از تاریخ غرب آسیا که تروریسم رشد بی‌سابقه‌ای داشته است، مورد بررسی قرار دهد.

الف) پیشینه پژوهش

تروریسم از جنبه‌های مختلف مورد توجه اندیشمندان بوده است. برخی سعی در تبیین عوامل و زمینه‌های گرایش به تروریسم داشته‌اند (خلیلی و دست‌افشان، ۱۳۹۹؛ بهرامی، ۱۳۹۶)؛ برخی بر پیامدهای آن تمرکز کرده‌اند (شاپوری، ۱۳۹۶) و برخی بر راهبردهای مقابله با آن متمرکز شده‌اند (کلاهیجان و محمدی‌لرد، ۱۳۹۶). با این حال، مهم‌ترین موضوع در ارتباط با تروریسم احتمالاً

ریشه‌یابی و تبیین علل و عوامل گرایش به آن است. در این راستا، برخی اعتماد را به عنوان متغیر مستقل در ارتباط با دو جنبه از تروریسم مورد کندوکاو قرار داده‌اند که عبارتند از: تعداد گروه‌های تروریستی و شدت خشونت اعمالی از سوی آنها که در ادامه با جزئیات بیشتر به آنها می‌پردازیم:

۱. اعتماد و تعداد گروه‌های تروریستی

سیجمن^۱ (۲۰۰۴) در کتاب «درک شبکه‌های ترور»، بر اساس شرح حال ۱۷۲ تروریست از کشورهای مسلمان، اعتقاد متعارف مبنی بر اینکه افراد از طریق فرایند جذب و شستشوی مغزی به جهاد سلفی جهانی می‌پیوندند را زیر سؤال می‌برد و تشکیل یا تغییر پیوندهای اجتماعی را عنصری حیاتی‌تر تلقی می‌کند. به نظر او این گروه‌ها به جای درخواست اعضای احتمالی در مساجد یا القا در محل‌های آموزش، بیشترین اعتماد را به عضویت یافتن از طریق گسترش روابط اجتماعی موجود (مانند خانواده و دوستان) می‌کنند. تفسیر نویسنده از مطالعات موردی که به آنها دسترسی داشته، حاکی از آن است که نزدیک به ۷۵ درصد از مجاهدین دارای چنین روابط قبلی بوده‌اند. بنابراین او یک روند ورود به جهاد «از پایین» را مورد توجه قرار می‌دهد.

عسل^۲، نگر^۳ و رثمیر^۴ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «ایجاد تروریسم از روابط اجتماعی: جنبه تاریک سرمایه اجتماعی»، نشان دادند سرمایه اجتماعی که به طور گسترده از مولفه‌های مهم دموکراسی سالم محسوب می‌شود، می‌تواند به شکل‌گیری و گسترش تروریسم نیز کمک کند. نویسندگان یک گروه زیرزمینی یهودی که همواره در تلاش برای نابود کردن فلسطینیان از طریق اقدامات تروریستی بوده را با بهره‌گیری از روش کیفی (مصاحبه و...) مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که به هر میزان اعتماد، همبستگی و ارزش‌های مشترک در جامعه‌ای بالا باشد، تعداد گروه‌های تروریستی آن نیز افزایش پیدا می‌کنند.

عمار شمائلیه^۵ (۲۰۱۷) در کتاب «اعتماد و ترور: سرمایه اجتماعی و بهره‌گیری از تروریسم به عنوان ابزار مقاومت»، با استفاده از روش «آزمون رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله‌ای»^۶ به چگونگی تأثیر اعتماد بر تصمیم «شهروند متضرر متواضع»^۷ برای پیگیری مجازات از طریق یک سازمان تروریستی یا واگذاری وظیفه به مشارکت‌کننده‌ای که از مکانیسم‌های کارآمدتر (قانونی)

1. Sageman

2. Asal

3. Nagar

4. Rethemeyer

5. Ammar Shamaileh

6. Two-Stage Least-Squares Regression Model

7. Unselfish Aggrieved Citizen's



برای مجازات استفاده می‌کند، می‌پردازد. این مدل نشان می‌دهد در کشورهای غرب آسیا که اکثر افراد به دنبال مجازات دولت هستند، از آنجا که به افراد خارجی اعتماد ندارند، به دنبال مکانیسم‌های مجازاتی می‌روند که قابل اطمینان‌تر باشند تا کارآمدتر. بنابراین، جستجو برای مکانیسم‌های قابل اطمینان‌تر (اعتماد به اعضای خانواده و دوستان) مجازات دولت باعث می‌شود تعداد گروه‌های تروریستی افزایش پیدا کنند.

۲. اعتماد و شدت خشونت اعمالی از سوی گروه‌های تروریستی

ناسیو^۱ و اوپنهایم^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه ضداجتماعی»^۳ در اعضای سابق گروه‌های مسلح غیردولتی: مطالعه موردی کلمبیا، با استفاده از داده‌های نظرسنجی ۱۴۵۸ عضو سابق گروه‌های شورشی و شبه‌نظامی در کلمبیا و ۶۸ مصاحبه عمیقی که با آنها انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که بسیاری از گروه‌های مسلح غیردولتی، سازمان‌های تروریستی و... بسیار منسجم هستند و به همین دلیل شدت خشونت بیشتری در فعالیت‌های تروریستی اعمال می‌کنند. روابط بین اعضای این گروه‌ها با پیوند داخلی و همکاری قوی مشخص می‌شود که مانند خانواده از مکانیسم حمایت متقابل برخوردارند.

اسکات هلفشتاین^۴ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و تروریسم»، با استفاده از روش کمی و داده‌های بانک اطلاعات جهانی تروریسم و تعیین متغیرهای کنترل، به این نتیجه دست می‌یابد که محیط‌های دارای سرمایه اجتماعی بالاتر، سازمان‌های تروریستی بیشتری تولید می‌کنند که خشونت نسبتاً کمتری دارند. در مقابل، در محیط‌هایی که سطح سرمایه اجتماعی آنها پایین است، گروه‌های کمتری شکل می‌گیرند، اما این گروه‌ها از خشونت بیشتری استفاده می‌کنند. این نتایج در مناطق مختلف طی یک دوره دوازده ساله کاملاً یکسان بوده است، با این استثنا که رابطه بین سرمایه اجتماعی و تشکیل گروه‌های تروریستی در آفریقا و غرب آسیا، در

1. Nussio

2. Oppenheim

۳. مفهوم «سرمایه ضداجتماعی» به این موضوع اشاره دارد که گروه‌هایی با روابط اجتماعی و الگوهای سازماندهی خود شکل می‌گیرند که هدف آنها امکان توسعه اقتصادی در جامعه را افزایش نمی‌دهد. به عبارت دیگر، به عنوان مثال گروه‌های تروریستی با اهداف سیاسی، ملی، مذهبی و غیره شکل می‌گیرند و اگرچه سرمایه اجتماعی در درون گروه بسیار بالاست (اعضای گروه به یکدیگر اعتماد دارند و برای رسیدن به اهداف گروه مشارکت می‌کنند)، اما نسبت به دیگر گروه‌ها بسیار بی‌اعتماد هستند. این امر یعنی سرمایه اجتماعی درون گروهی، روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی برون گروهی را تضعیف می‌کند و امکان توسعه اقتصادی را سلب می‌کند

4. Scott Helfstein

سطوح متعارف مورد تأیید آماری قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، با وجود سطح پایین سرمایه اجتماعی در غرب آسیا، تشکیل گروه‌های تروریستی شدت گرفته است. این پژوهش در تبیین متغیر تشکیل گروه‌های تروریستی و شدت خشونت‌های عملی از سوی آنها با پژوهش حاضر اشتراک دارد، اما هدفش این است که به سطح گروهی، نهادی و بین‌المللی سرمایه اجتماعی و به خصوص اعتماد به عنوان مولفه اصلی آن توجهی نکرده است (نقطه افتراق). علاوه بر این، افتراق زمان، مکان و روش را نیز بایستی در کنار افتراق سطوح مورد توجه قرار داد.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده	سال	مسئله یا سوال اصلی	نوع تحقیق	روش گردآوری داده	سطح تحلیل	یافته‌ها	متغیرهای اصلی
سپین	۲۰۰۴	شناخت فرایند شکل‌گیری و گسترش گروه تروریستی القاعده	تجربی	کیفی (مصاحبه)	موردی	عضوگیری القاعده عمدتاً از پایین به بالا و به صورت دعوت یکی از تروریست‌ها از اعضای خانواده یا دوستان خود صورت می‌پذیرد (روابط اجتماعی).	تعداد گروه‌های تروریستی/ اعتماد و مشارکت
ناسبو و اوپنهایم	۲۰۱۴	پیامدهای سرمایه ضداجتماعی گروه‌های مسلح غیردولتی	تجربی	کیفی (نظرسنجی و مصاحبه)	ملی	روابط بین اعضای سازمان‌های تروریستی با پیوند داخلی و همکاری قوی مشخص می‌شود و به دلیل عدم اعتماد به سایر گروه‌ها، در فعالیت‌های تروریستی شدت خشونت بیشتری اعمال می‌کنند.	شدت خشونت/ مشارکت و اعتماد
هلفشتاین	۲۰۱۴	تأثیر سرمایه اجتماعی بر تعداد گروه‌ها و شدت خشونت‌های عملی گروه‌های تروریستی	علی	کیفی (نظرسنجی و مصاحبه)	جهانی	محیط‌هایی که سرمایه اجتماعی بیشتری دارند سازمان‌های تروریستی بیشتری تولید می‌کنند که نسبتاً خشونت کمتری دارند. در مقابل، محیط‌هایی که سطح سرمایه اجتماعی آنها پایین است، گروه‌های کمتری شکل می‌گیرند، اما این گروه‌ها از خشونت بیشتری استفاده می‌کنند.	تعداد گروه‌ها و شدت خشونت/ اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی
عسل، نگر و ریمبر	۲۰۱۴	نقش سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری گروه تروریستی	علی	کیفی	ملی	روابط اجتماعی، هنجارهای مشترک و اعتماد نقش مهمی در تأسیس یک سازمان تروریستی ایفا کرده است.	تعداد گروه‌ها/ اعتماد و شبکه‌های اجتماعی
شمائله	۲۰۱۷	دلایل انواع کنش سیاسی مانند تشکیل یا پیوستن به گروه‌های تروریستی	علی	کمی	جهانی	در کشورهای غرب آسیا که اکثر افراد به دنبال مجازات دولت هستند، از آنجا که به افراد خارجی اعتماد ندارند، به دنبال مکانیسم‌های مجازاتی می‌روند که قابل اطمینان‌تر باشند تا کارآمدتر (پیوستن به گروه‌های تروریستی).	تعداد گروه‌ها/ اعتماد

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

ب) مبانی مفهومی و نظری

پیش از سنجش رابطه اعتماد و تروریسم لازم است به مبانی مفهومی و نظری این متغیرها پردازیم و روابط آنها را در قالب یک الگوی تحلیلی تبیین کنیم:

۱. اعتماد

برای درک دقیق‌تر اعتماد لازم است ابتدا تحول مفهومی و نظری و سپس انواع، ابعاد و سطوح آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

فوکویاما اعتماد را انتظاری تلقی می‌کند که در جامعه از رفتار همیارانه، مسئولانه و مقرراتی بخشی از اعضای جامعه که مبتنی بر هنجارهای مشترک عام است، وجود دارد. بر اساس این تعریف اعتماد یک پیامد عملکرد هنجاری است (وثوقی و آرام، ۱۳۸۸: ۱۴۴). استدلال زتومکا با در نظر گرفتن فرایند جهانی‌شدن این است که اعتماد در متن کنش‌های انسان که جهت‌گیری معطوف به آینده مهم‌ترین ویژگی آن است، ظهور و بروز پیدا می‌کند. هر چقدر میزان کنترل بر کنش‌های آینده کمتر باشد، نیاز به اعتماد بیشتر می‌شود. اعتماد کردن به معنی شرط‌بستن بر کنش‌های کنترل‌ناپذیر سایرین و آینده نامعین است که همیشه با مخاطره همراه است (زتومکا، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۵).

گیدنز اعتماد در دنیای مدرن را با مفهوم غریبه آغاز می‌کند. او استدلال می‌کند در جوامع پیشامدرن، اجتماع محلی بر بنیان پیوندهای خویشاوندی استوار بود و افراد خارج از این دایره، غریبه تلقی می‌شدند. مدت‌ها طول می‌کشید تا غریبه‌ها خودی محسوب شده و اعتماد اجتماعی را جلب نمایند. به همین جهت، غریبه‌ها همواره مورد سوءظن اجتماع محلی بودند. در جوامع مدرن، ما با افرادی هم‌کنشی پیدا می‌کنیم که شناخت خوبی از آنها نداریم یا هرگز با آنها ملاقاتی نداشته‌ایم. مفهوم بی‌توجهی مدنی در اینجا مطرح می‌شود. وقتی رهگذران به یکدیگر نزدیک می‌شوند نگاهی به هم می‌اندازند، اما بی‌توجهی مدنی را به نمایش می‌گذارند. این بی‌توجهی با نادیده گرفتن دیگران یکی نیست، بلکه فرد به سایرین نشان می‌دهد که حضورشان را درک کرده است، با این حال، از هر گونه کنشی که مزاحمانه تلقی شود، اجتناب می‌کند. این نوع بی‌توجهی، پیش‌فرض کلی اعتماد و اساسی‌ترین نوع پایبندی چهره‌به‌چهره در مواجهه با غریبه‌ها در وضعیت مدرنیته است (گیدنز، ۱۳۹۹: ۹۳).

۲. سطوح اعتماد

زتومکا سطوح اعتماد را در قالب لایه‌هایی قلمداد می‌کند که از روابط میان اعضای خانواده به عنوان عینی‌ترین روابط آغاز شده و تا اعتماد به کارایی نظام و غیره که انتزاعی‌ترین روابط شناخته می‌شود، ادامه پیدا می‌کند (زتومکا، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۹). در این پژوهش، اعتماد در سه سطح بین‌فردی، عمومی‌یافته، نهادی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

(۱) **اعتماد بین‌فردی تعمیم‌یافته:** دو نوع اعتماد بین‌فردی عبارتند از: بین‌فردی (خاص) و تعمیم‌یافته (عام). اعتماد بین‌فردی (خاص) خود را در روابط چهره‌به‌چهره نمایان می‌کند، در حالی که اعتماد تعمیم‌یافته به کسانی که با هم روابط چهره‌به‌چهره برقرار می‌کنند، محدود نمی‌شود بلکه این نوع از اعتماد، مرزهای محلی، قومی، همسایگی و خانوادگی را درمی‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد (محسنی تبریزی، معیدفر و گلایی، ۱۳۹۰: ۴۶).

(۲) **اعتماد نهادی:** میزان اعتماد اجتماعی در نظریه کلمن تحت‌تأثیر احساس عدالت در چهار بعد احساس برابری قانونی، توزیعی، مشارکتی و فرصتی است. شهروندان در احساس برابری قانونی باور دارند که نظام سیاسی همه را در برابر قانون یکسان تلقی می‌کند. احساس برابری توزیعی به این معنا است که حقوق شهروندی برای همه شهروندان توسط نظام سیاسی فراهم می‌شود. ثمربخشی سیاسی حاکی از احساس برابری مشارکتی است؛ به عبارت دیگر، رأی شهروندان بر تصمیمات دولتی تأثیرگذار می‌باشد. باور شهروندان به رعایت معیارهای شایستگی در سپردن نقش‌های سیاسی و اداری حاکی از احساس برابری فرصتی است. بهبود احساس برابری و عدالت در نزد اعضای جامعه باعث افزایش مشروعیت نظام سیاسی شده و به این وسیله اعتماد نهادی در جامعه افزایش می‌یابد (ثابت، ۱۴۰۰: ۶۳).

(۳) **اعتماد بین‌المللی:** اعتماد بین‌المللی عمدتاً در قالب سیاست خارجی و راهبردهای حکومت نمود پیدا می‌کند. به بیان دیگر، سیاست حکومت باعث می‌شود که یک کشور در فرایند جهانی شدن حل شود یا در مقابل آن مقاومت کند. اگر حکومت در صدد افزایش تعامل و مناسبات با جامعه بین‌المللی باشد که جنبه مثبت داشته باشد، اعتماد بین‌المللی افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. بنابراین، شهروندان نقش چندانی در این سطح از اعتماد نمی‌توانند ایفا کنند.

۳. انواع اعتماد

پاتنام ایده پیوند و پل زدن اعتماد را بر اساس تمایز گرانووتر^۱ بین پیوندهای قوی و ضعیف استوار کرد. اعتماد پیوندی (انحصاری^۲) به روابط اعتماد بین اعضای یک گروه مشابه اشاره دارد. اعتماد پل زدن (فراگیر)^۳ به روابط مبتنی بر احترام متقابل بین اعضای گروه‌هایی اشاره دارد که به نوعی متفاوت هستند، مثلاً بر اساس طبقه، گروه قومی، سن یا مذهب (Putnam, 2000: 20-21).

نوع ارتباطی اعتماد به عنوان هنجارهای احترام و شبکه‌های روابط اعتماد بین افرادی که در جایگاه‌های متفاوتی از قدرت یا اقتدار صریح، رسمی یا نهادینه‌شده در جامعه تعامل دارند، تعریف می‌شود. پل زدن اساساً یک استعاره افقی است. این نوع از اعتماد عمدتاً افرادی با موقعیت‌های اجتماعی برابر را به هم پیوند می‌دهد. سرمایه اجتماعی ارتباطی اساساً یک استعاره عمودی است. به این معنی که افرادی با قدرت‌های نابرابر را به یکدیگر پیوند می‌دهد (Szreter and Woolcock, 2004: 655).

۴. ابعاد اعتماد

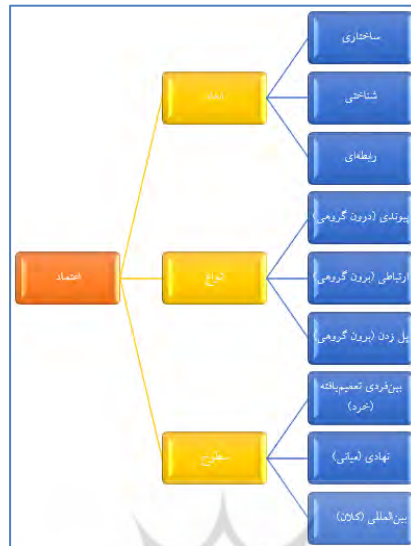
همچنان که «سرمایه اجتماعی ساختاری به ساختارهای اجتماعی نسبتاً عینی و قابل مشاهده بیرونی مانند شبکه‌ها، انجمن‌ها، نهادها، قوانین و رویه‌هایی که آنها را تجسم می‌کنند، اشاره دارد» (Grootaert & Van Bastelaer, 2002: 3)، اعتماد ساختاری نیز مبنای عضویت در انواع مختلف انجمن‌ها (سازمان‌های داوطلبانه) و شبکه‌سازی افراد با دوستان، اقوام و همکاران را تشکیل می‌دهد (Guillen, Coromina & Saris, 2011: 336).

عنصر شناختی اعتماد به منابعی اشاره دارد که فراهم‌کننده مظاهر، تعبیرها، تفسیرها و سیستم‌های معانی مشترک در میان گروه‌هاست. مهم‌ترین جنبه‌های این بُعد از اعتماد عبارتند از: زبان و قواعد مشترک و حکایات مشترک (تجربیات و خاطرات مشترک). بُعد رابطه‌ای اعتماد نیز توصیف‌کننده انواع روابط شخصی‌ای است که افراد با همدیگر به واسطه تاریخی از تعاملات گسترش داده‌اند و بر روابط خاصی همچون احترام و رفاقت که رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تمرکز دارد (Nahapiet & goshale, 1998: 253-255). در شکل زیر، انواع، ابعاد و سطوح اعتماد قابل مشاهده است:

1. Granovetter

2. exclusive

3. inclusive



شکل ۱: ایجاد، انواع و سطوح اعتماد

۵. تروریسم

اصطلاح ترور «برای اولین بار توسط ادmond برک^۱ در زمینه سیاسی استفاده شد که از حکومت انقلابی روبسپیر به عنوان یک حکومت وحشت صحبت کرد» (Schinkel, 2009: 183). بنابراین اولین استفاده از ترور در یک زمینه سیاسی به شکلی از حکومت از طریق ترس یا ارباب اشاره داشته، اما با گذشت زمان و تحولات جدید، تغییرات بسیاری در آن ایجاد شده است، «به‌طوری که امروزه بیش از ۲۰۰ تعریف در ادبیات تروریسم وجود دارد» (Matusitz, 2013: 2).

در نگرش برخی، تروریسم پدیده‌ای سیاسی است که به وسیله آن مهاجمان به قصد ایجاد و بهره‌برداری از ترس، افراد غیرنظامی را تهدید یا از خشونت علیه آنها استفاده می‌کنند (Stapley, 2009: 29). اشمید (۲۰۱۱) پس از ۲۳ سال برای اصلاح تلاش‌های اولیه خود، تروریسم را چنین تعریف کرد: «دکترینی درباره اثربخشی مفروض شکل یا تاکتیک خاصی از خشونت سیاسی اجباری و ترس‌آفرین و یک رویه توطئه‌آمیز از اقدام خشونت‌آمیز محاسبه‌شده، نمایشی و مستقیم بدون محدودیت‌های قانونی یا اخلاقی که عمدتاً غیرنظامیان و غیرجنگجویان را هدف قرار می‌دهد و به دلیل تأثیرات تبلیغاتی و روانی آن بر مخاطبان مختلف و طرفین درگیری اعمال می‌شود» (Schmid, 2011: 86).

¹. Edmund Burke

تیلور^۱ نیز پنج ویژگی تروریسم را برای تشخیص آن از سایر خشونت‌های سیاسی عنوان کرده است که عبارتند از:

- استفاده از خشونت نه تنها برای تخریب اموال یا گرفتن جان، بلکه برای ایجاد وحشت در افرادی غیر از قربانیان اصلی خود؛

- تروریسم تاکتیکی است که معمولاً توسط افرادی به کار می‌رود که احساس می‌کنند قدرت کافی برای به‌چالش کشیدن افرادی که از نظر آنها دشمن‌شان هستند را ندارند (مثلاً با یک قیام توده‌ای)؛

- برخلاف جنگجویان چریکی، تروریست‌ها به دنبال تسخیر و حفظ قلمرو نیستند. به عنوان یک قاعده، تروریست‌ها احساس می‌کنند که منابع کافی (نیروی انسانی و تسلیحات) برای انجام یک کارزار نظامی تمام‌عیار ندارند. آنها خود را به اقدامات پراکنده مشغول می‌کنند، به این امید که در آینده به اشکال گسترده‌تر خشونت سیاسی الهام بخشند؛

- برخلاف ارتش‌های چریکی که ساختار فرماندهی متمرکزی دارند، سازمان‌های تروریستی معمولاً غیرمتمرکز هستند. گرچه غالباً یک رهبر وجود دارد که اهداف کلی را تعیین می‌کند، اما عملیات‌های خاص توسط گروه‌های کوچک به نام سلول‌ها انجام می‌شود که به طور مستقل عمل می‌کنند. علاوه بر این، برای حفظ امنیت، اعضای یک سلول حتی ممکن است هویت اعضای سلول‌های دیگر را ندانند؛

- تروریسم برای بقای خود نیازمند تبلیغات است. برای رسیدن به هدف ایجاد اضطراب و بی‌ثباتی گسترده، جزئیات یک اقدام تروریستی باید بین بیشترین تعداد مردم پخش شود. به همین دلیل، تروریست‌ها اغلب اهدافی را انتخاب می‌کنند که دارای اهمیت نمادین هستند تا حداکثر پوشش رسانه‌ای را تضمین می‌کنند (Taylor, 2002: 9-10).

گرچه محققان زیادی سعی داشتند تعریفی ارائه دهند که اکثر ویژگی‌های فوق را شامل شود، اما مشکل اصلی این است که هیچ‌کدام به همه ویژگی‌هایی که اجماع را حاصل کند، تعمیم نمی‌یابد. به عنوان مثال، از آنجا که پنتاگون مسلماً یک هدف غیرنظامی نیست، نتیجه مشکل‌دار تلقی حمله به مرکز تجارت جهانی به عنوان یک اقدام تروریستی وجود دارد. دو اقدام خشونت‌آمیز، یکی با هدف قراردادن غیرنظامیان و دیگری با هدف قراردادن ارتش (عمل جنگ)، ممکن است به اندازه کافی مشابه باشند تا با دستورالعمل‌های سیاسی یکسانی با آنها رفتار شود. بنابراین، هدف قراردادن غیرنظامیان به عنوان مشخصه اصلی تروریسم، سودمندی عمل‌گرایانه یک تعریف

^۱. Taylor

را به خطر می‌اندازد. با در نظر گرفتن چالش فوق، ریتان^۱ تروریسم را هر عمل یا الگوی خشونت‌تی تعریف کرده است که:

- هدف اولیه یا نهایی، گروهی است که به عنوان یک کل تصور می‌شود؛
- اهداف فوری، اعضای گروه هدف هستند؛
- عضویت در گروه هدف وقتی کافی تلقی می‌شود که یکی از آنها را به یک هدف قانونی تبدیل کند؛
- خشونت علیه اعضای گروه هدف برای ایجاد تأثیر بر کل گروه (که ممکن است به معنای تأثیرگذاری بر رهبری ادراک شده گروه باشد) ابزاری است (Reitan, 2010: 265). در این پژوهش تعریف ریتان به عنوان مبنا قرار می‌گیرد.

۶. تروریسم جدید

وقایع یازده سپتامبر دو تغییر عمده در تجلی تروریسم ایجاد کرد. اول، تغییر از تروریسم قدیمی به سمت مظاهر جدید تروریسم که توسط بازیگران غیردولتی مشخص می‌شود. انجام حملات گسترده در سطح بین‌المللی با سلاح‌های غیرمتعارف، به‌ویژه توسط القاعده مظهر این تغییر است. دوم، نشان‌دهنده تغییر تروریسم از سطح مرزهای داخلی به تروریسم فرامرزی و استفاده از انواع فاجعه‌بارتر زور است. پخش گسترده یازده سپتامبر به بقیه جهان نیز ثابت کرد که مسافت دیگر عامل بازدارنده‌ای برای حملات تروریستی نیست (Matthee, 2019: 6-7).

۷. سطوح تروریسم

تروریسم را می‌توان در سه سطح داخلی، فراملی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داد. تروریسم داخلی در یک کشور رشد کرده و اعمال می‌شود و تلفات آن محدود به همان کشور است (Seifi et al., 2020: 4).

تروریسم فراملی علیه اهدافی انجام می‌شود که از ملیت عاملان آن نیستند. عبور فیزیکی واقعی از مرزها ضروری نیست. تروریسم توسط گروه‌های خارجی بر روی شهروندان یک دولت دیگر نیز در این دسته قرار می‌گیرد. از نظر فنی، تروریسم بین‌المللی تروریسمی است که به یک بازیگر دولتی نیاز دارد. این عمل معمولاً توسط دولت انجام نمی‌شود، بلکه توسط جانشینان غیردولتی انجام می‌شود (Stapley, 2009: 24-25).

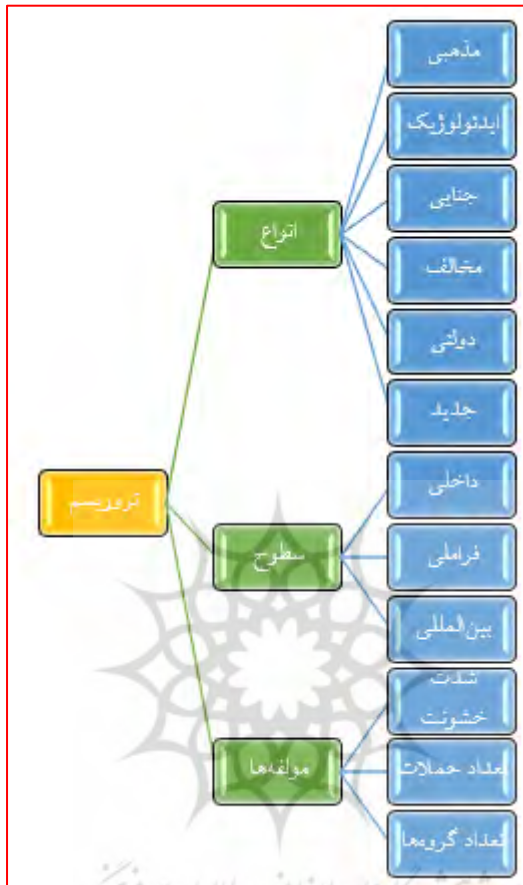
¹. Reitan

۸. انواع تروریسم

پژوهشگران حوزه تروریسم، دسته‌بندی‌های متفاوتی از تروریسم با مینا قرار دادن هدف، جهت‌گیری سیاسی، حملات و... انجام داده‌اند. هافمن^۱ (۲۰۱۷) درباره تروریسم قوم‌گرا/تجزیه‌طلب، بین‌المللی، مذهبی و دولتی بحث کرده است. لاکور^۲ (۲۰۰۶) نیز تروریسم راست افراطی، مذهبی، دولتی، «خارجی»^۳ و جنایتکار^۴ را مورد توجه قرار داده است. یکی از جامع‌ترین دسته‌بندی‌ها توسط مارتین^۵ (۲۰۱۷) انجام شده که هشت نوع آن را شناسایی کرده است که عبارتند از: دولتی، مخالف^۶، مذهبی، جنایی، بین‌المللی، جدید، ایدئولوژیک و تروریسم جنسیت‌گزینی^۷.

مارتین استدلال می‌کند که در میان انواع تروریسم مورد بحث، نوع مذهبی آن به یک مشکل جهانی تبدیل شده است. تروریسم مذهبی در طول دهه ۱۹۸۰ گسترش یافت و برای به‌چالش کشیدن ثبات سیاسی بین‌المللی و داخلی در طول دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ رشد کرد. روندهایی که در پایان قرن بیستم ایجاد شد، نشان می‌دهد که خشونت مذهبی همچنان جنبه اصلی تروریسم در قرن بیست‌ویکم خواهد بود. در سطح بین‌المللی، تروریست‌های مذهبی بسیاری از ملیت‌ها به طور مداوم به اهدافی که نماد منافع دشمن هستند، حمله کرده‌اند. برخلاف حملات نسبتاً گزینشی چپ‌گرایان سکولار در سال‌های گذشته، تروریست‌های مذهبی مانند القاعده ثابت کرده‌اند که منحصرأ قاتل هستند (Martin, 2017: 517-518).

1. Hoffman
2. Laqueur
3. exotic
4. criminal
5. Martin
6. Dissident
7. Gender-Selective



شکل ۲: انواع، سطوح و مولفه‌های تروریسم

۹. الگوی تحلیل

همان‌طور که در شکل شماره ۳ نشان داده شده است، ابعاد، انواع و سطوح مختلف اعتماد می‌توانند تأثیرات مختلفی بر انواع و سطوح مختلف تروریسم داشته باشند. بر این اساس، الگوی تحلیل مقاله حاضر بر این مبنا استوار است که اعتماد و تروریسم نباید به عنوان یک کل در نظر گرفته شوند، بلکه باید با مشخص کردن معنا و مفهوم مدنظر و انواع و سطوح مختلف‌شان، متغیرهای تأثیرگذار بر آن‌ها را شناسایی کرد.



شکل ۳: الگوی تحلیل

ج) روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث رویکرد، کمی؛ از حیث زمان، دوره‌ای و از حیث جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر داده‌های ثانویه (لگاتوم و مرکز داده ترویس جهانی یا استارت) بوده است. اعتماد و ترویس به ترتیب متغیر مستقل و وابسته پژوهش هستند. داده‌های جمع‌آوری شده با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

جامعه آماری مورد نظر ما کشورهای غرب آسیا هستند ولی از آنجا که تعداد آنها برای یک پژوهش زیاد است بر شش نمونه خاص تمرکز شده است. نمونه‌گیری بر اساس روش خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی «وارد»^۱ صورت پذیرفته است. در این روش، داده‌های اعتماد کشورهای غرب آسیا از مؤسسه لگاتوم در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ جمع‌آوری شد. سپس از طریق نرم‌افزار SPSS فرایند خوشه‌بندی وارد روی آنها پیاده شده است. در بخش کمی که بر اساس داده‌های مؤسسه لگاتوم (فرایند اعتماد) انجام شده است، با توجه به تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از خوشه‌بندی وارد، کشورهای غرب آسیا از حیث وضعیت اعتماد در سه خوشه دسته‌بندی شده‌اند که عبارتند از:

خوشه اول: قطر (۲۶)^۲، عمان (۲۶)، امارات (۳۷)، بحرین (۲۲)، کویت (۲۷) و عربستان (۴۹).

خوشه دوم: ایران (۷۵)، اردن (۷۷)، عراق (۱۰۰).

خوشه سوم: سوریه (۱۵۰)، یمن (۱۴۵)، ترکیه (۱۴۳) و لبنان (۱۲۹).

طبق نتایج خوشه‌بندی بر اساس روش وارد، برای انتخاب حجم نمونه از هر خوشه دو کشور انتخاب شده است.

^۱. Ward

^۲. رتبه هر کشور میانگین رتبه‌های آن کشور در طی سیزده سال گذشته (۲۰۰۷-۲۰۲۰) می‌باشد

(۱) تعاریف عملیاتی

به منظور سنجش اعتماد در سطح «بین‌فردی تعمیم‌یافته»^۱ و نهادی از داده‌های مؤسسه لگاتوم (Prosperity, 2021) استفاده شده است؛ زیرا مؤسسه مذکور به عنوان معتبرترین و تنها مرکز سنجش اعتماد در کشورها در سطح جهانی قلمداد می‌شود. با این حال، تمرکز آن بر سنجش متغیر مذکور در سطح داخلی است. بنابراین، برای سنجش وضعیت اعتماد کشورها در سطح بین‌المللی، شاخص‌هایی توسط نویسندگان انتخاب شدند.

به منظور سنجش اعتماد در سطح خرد، شاخص اعتماد بین‌فردی تعمیم‌یافته انتخاب شده است. مؤسسه لگاتوم به منظور سنجش اعتماد نهادی نیز شاخص‌های اعتماد به ارتش، حکومت ملی، سیستم قضایی و دادگاه‌ها، مؤسسات مالی و بانک‌ها، اعتماد عمومی به سیاستمداران و پلیس محلی را ملاک قرار داده است (Prosperity, 2021).

جهت سنجش اعتماد بین‌المللی، شاخص‌هایی انتخاب شدند که نشان می‌دهند میزان اعتماد یک کشور به جامعه بین‌المللی یا اعتماد جامعه بین‌المللی تا چه اندازه است. شاخص‌های مذکور عبارتند از میزان هزینه‌های نظامی (SIPRI, 2020)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (The World Bank, 2021) و فرار مغزها^۲ (Fund For Peace, 2021). میزان هزینه‌های نظامی نشان می‌دهد که کشور مذکور برای تأمین امنیت خود اصل خودیاری را در پیش گرفته و اعتماد اندکی به دیگران دارد. بنابراین، هزینه نظامی زیاد به منزله عدم اعتماد به سایر کشورها یا جامعه بین‌المللی است (اعتماد دولت به جامعه بین‌المللی یا سایر کشورها). همچنین، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز نشان می‌دهد که یک کشور تا چه اندازه مورد اعتماد دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی و غیره است که آنها حاضرند سرمایه خود را به یک کشور وارد کنند (اعتماد جامعه بین‌المللی به یک دولت). در نهایت، مهاجرت شهروندان و فرار مغزهای یک کشور، به صورت سلبی وضعیت اعتماد را به نمایش می‌گذارد. این روند عمدتاً در کشورهای غیردموکراتیک به چشم می‌خورد که به نوعی این پیام را به جامعه بین‌المللی مخابره می‌کند که حتی شهروندان و نخبگان آن کشور اعتمادی به ساختارهای موجود و دولت آن کشور ندارند، بنابراین در نتیجه کاهش مشروعیت آن از میزان اعتماد به آن کشور کاسته می‌شود.

1. Generalized Interpersonal Trust

2. Human Rights and Rule of Law Index

جدول شماره ۲: سطوح، مولفه‌ها و شاخص‌های اعتماد

ابعاد	سطوح	شاخص‌ها	زیرشاخص	سال آغاز ارائه داده	مقیاس	تیف
اقتصادی	خرد (بین فردی)	اعتماد بین فردی	اعتماد بین فردی تعمیم یافته	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			اعتماد به ارتش	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			اعتماد به حکومت ملی	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
اجتماعی	میانی (مردم و حکومت)	اعتماد نهادی	اعتماد به سیستم قضایی و داده‌گاه‌ها	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			اعتماد به مؤسسات مالی و بانک‌ها	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			اعتماد عمومی به سیاست‌مداران	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
سیاسی			اعتماد به پلیس محلی	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			مهاجرت شهروندان و فرار مغزها	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰
فرهنگی	کلان (کشور با جامعه بین‌المللی)	اعتماد بین‌المللی	هزینه‌های نظامی	۱۹۸۸	عدد	مقدار
			سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۱۹۷۰	عدد	مقدار

سه متغیر تعداد گروه‌های تروریستی، میزان شدت خشونت‌های اعمالی و تعداد حملات آنها برای سنجش وضعیت تروریسم در غرب آسیا بر اساس ادبیات پژوهش استخراج شده است. تعداد گروه‌های تروریستی به این صورت سنجیده می‌شود که در دوره مورد مطالعه، چند گروه تروریستی در کشورهای انتخاب شده شکل گرفتند. وجود این گروه‌ها بر اساس داده‌های بانک اطلاعاتی تروریسم، صرفاً گروه‌هایی را شامل می‌شود که عملیات تروریستی انجام داده‌اند. میزان شدت خشونت‌های اعمالی گروه‌های تروریستی بر اساس تعداد کشته‌شدگان و مجروحین در عملیات‌های آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این شاخص با استفاده از رتبه‌بندی بانک

اطلاعاتی تروریسم که در قالب «آسیب‌پذیری از تروریسم» هر ساله ارائه می‌شود، سنجیده می‌شود. در نهایت، تعداد حملات آنها نیز در سه سطح ملی، فراملی و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. در جدول زیر، تعریف عملیاتی متغیرهای سه‌گانه تروریسم قابل مشاهده است:

جدول شماره ۳: تعریف عملیاتی مولفه‌های تروریسم

مولفه	تعریف عملیاتی
تعداد گروه‌ها	گروه‌هایی که فعالیت تروریستی داشته‌اند
شدت خشونت	تعداد کشته و زخمی‌ها
گستره فعالیت	تعداد حملات

یکسان‌سازی شاخص‌ها

همچنان که از نگاه اجمالی به جدول فوق هم می‌توان دریافت، همه شاخص‌های مورد نظر برای محاسبه سرمایه اجتماعی و تروریسم به صورت یکسان ارائه نشده‌اند. تفاوت در مقیاس و طیف سنجش از یک سو و تفاوت در تعداد کشورهای مورد سنجش (حتی در هر شاخص در سال‌های مختلف) مستلزم این است که قبل از اقدام به محاسبه سرمایه اجتماعی و تروریسم، نسبت به یکسان‌سازی آنها اقدام شود. در واقع از آنجا که روش ما برای سنجش سرمایه اجتماعی و تروریسم مبتنی بر استفاده از شاخص‌های ترکیبی است، پیش از هر چیز بایستی شاخص‌های مورد نظر را یکسان کرد. بدین منظور سعی می‌شود تمامی شاخص‌ها به رتبه تبدیل شوند و از مقیاس و طیف واحدی برای آنها استفاده شود.

با توجه به اینکه بیشتر شاخص‌های مورد نظر بر اساس صفر تا صد تعیین می‌شوند، بهترین روش برای یکسان‌سازی این است که سایر امتیازات مانند صفر تا ده یا صفر تا هفت نیز به صفر تا صد تبدیل شوند. در واقع، برای شاخص‌هایی که اصالتاً صفر تا صد محاسبه می‌شوند فقط یکسان‌سازی تعداد کشورها در سال‌های مختلف اتفاق می‌افتد، اما برای سایر شاخص‌ها ابتدا طیف موجود به طیف صفر تا صد تبدیل می‌شود و سپس یکسان‌سازی تعداد کشورها انجام می‌شود. مثلاً برای شاخص مهاجرت شهروندان و فرار مغزها که امتیاز کشورها از صفر تا ده محاسبه می‌شود، ده را صد، نه را نود و به همین ترتیب تمامی اعداد و ارقام را از صد محاسبه می‌کنیم. سپس زمانی که تمامی شاخص‌ها به رتبه تبدیل شدند، رتبه هر کشور تقسیم بر کل تعداد کشورها در آن رتبه‌بندی می‌شود و عدد به‌دست‌آمده ضرب در صد می‌شود. بدین ترتیب در هر سال و در همه شاخص‌ها این فرمول به کار گرفته می‌شود تا در نهایت همه رتبه‌ها از صد محاسبه شوند و یکسان‌سازی از نظر مقیاس، طیف و تعداد کشورهای رتبه‌بندی صورت پذیرد.

د) نتایج و یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در سه بخش یافته‌های توصیفی، تحلیلی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۱) یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی مرتبط با اعتماد و تروریسم و مولفه‌های آنها به ترتیب زیر است:

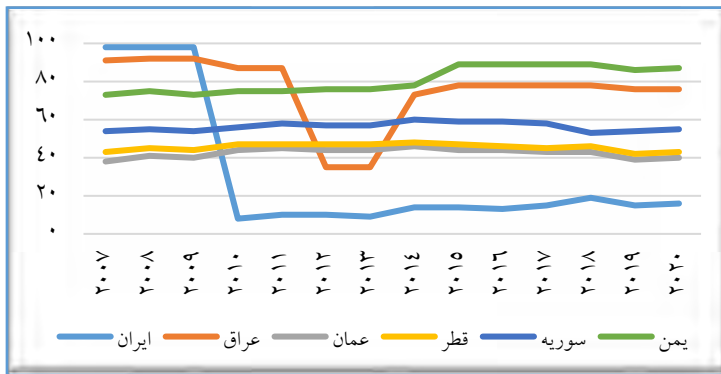
۲) اعتماد

یافته‌های اعتماد در سه سطح بین‌فردی، جمع‌یافته، نهادی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۳) اعتماد بین‌فردی جمع‌یافته

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است، در اعتماد سطح خرد، ایران در سه سال یعنی از ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، میانگین رتبه ۹۸ را به خود اختصاص داده، اما در سال ۲۰۱۰ میانگین رتبه آن با سقوط ناگهانی به هشت کاهش پیدا کرده است. ایران پایین‌ترین سطح اعتماد خرد را در بین کشورهای مورد مطالعه پس از سال ۲۰۱۰ داشته است. در مقابل، بهترین میانگین رتبه ایران نیز در سال‌های مورد بررسی با نوزده به سال ۲۰۱۸ باز می‌گردد.

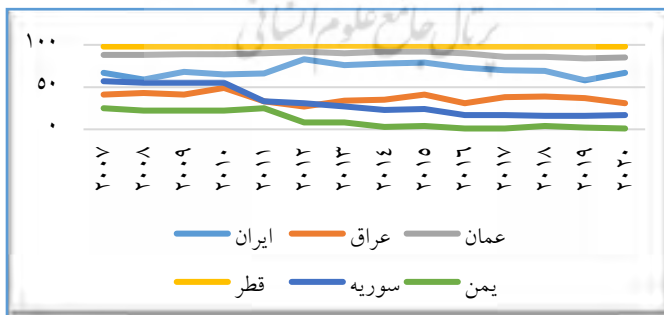
عراق با میانگین رتبه ۹۲ در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بهترین وضعیت را پس از ایران به ثبت رسانده است. در مقابل، بدترین وضعیت را با میانگین رتبه ۳۵ در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ پس از ایران در بین کشورهای مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. بهترین وضعیت سوریه نیز با میانگین رتبه ۶۰ در سال ۲۰۱۴ بوده است. بدترین وضعیت آن نیز به سال ۲۰۱۸ با میانگین رتبه ۵۳ باز می‌گردد. قطر و عمان نیز وضعیتی تقریباً مشابه داشته‌اند. میانگین رتبه آنها بین ۳۹ و ۴۸ در نوسان بوده است.



نمودار شماره ۱: روند اعتماد سطح خرد در کشورهای مورد مطالعه

۴) اعتماد نهادی

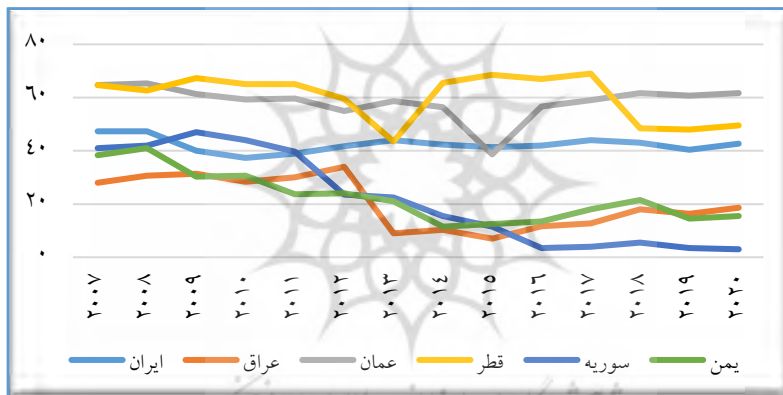
در اعتماد سطح میانی یا نهادی، برخلاف اعتماد سطح خرد، قطر و عمان بهترین میانگین رتبه را به ثبت رسانده‌اند. به طوری که قطر از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ میانگین رتبه ۹۹ را به خود اختصاص داده است. در سایر سال‌ها، میانگین رتبه ۹۸ برای قطر به ثبت رسیده است. برای عمان نیز در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میانگین رتبه ۹۲ به ثبت رسیده است. بدترین وضعیت نیز در میان کشورهای مورد مطالعه با میانگین رتبه یک در سال‌های ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۲۰ به یمن اختصاص داشته است. بدترین میانگین رتبه ایران، عراق و سوریه به ترتیب ۵۵، ۲۷ و ۱۶ در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸ بوده است. بهترین وضعیت ایران با میانگین رتبه ۸۳ به سال ۲۰۱۲ باز می‌گردد. در نمودار زیر، میانگین رتبه کشورهای مورد مطالعه از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ در سطح اعتماد نهادی نشان داده شده است:



نمودار شماره ۲: روند اعتماد سطح نهادی در کشورهای مورد مطالعه

۵) اعتماد بین‌المللی

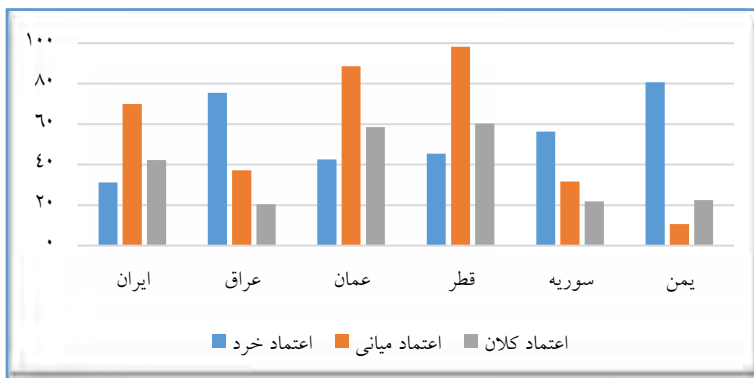
در سطح اعتماد بین‌المللی، قطر با میانگین رتبه ۶۹ در سال ۲۰۱۷، بهترین وضعیت را در میان کشورهای مورد مطالعه داشته است. در مقابل، سوریه با میانگین امتیاز سه در سال ۲۰۲۰، بدترین وضعیت را به ثبت رسانده است. البته میانگین رتبه قطر در سال ۲۰۱۳ به ۴۳ نیز کاهش پیدا کرده که ضعیف‌ترین وضعیت آن در طی سال‌های مورد مطالعه بوده است. بهترین وضعیت سوریه نیز با میانگین رتبه ۴۷ در سال ۲۰۰۹ به ثبت رسیده است. همان‌طور که در نمودار شماره ۳ قابل مشاهده است، اعتماد بین‌المللی سوریه، عراق و یمن از سال ۲۰۰۷ به بعد کاملاً نزولی بوده است. در این میان، تقریباً ایران روند باثباتی را طی کرده است. به عبارت دیگر، پایین‌ترین و بالاترین میانگین رتبه ایران به ترتیب ۳۷ و ۴۷ در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ بوده است. حتی میانگین رتبه عمان نیز از ۶۵ در سال ۲۰۰۸ به ۳۹ در سال ۲۰۱۵ کاهش پیدا کرده است.



نمودار شماره ۳: روند اعتماد سطح بین‌المللی در کشورهای مورد مطالعه

۶) میانگین اعتماد

همان‌طور که در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است، قطر با میانگین امتیاز ۹۸ در اعتماد نهادی، بهترین وضعیت را به خود اختصاص داده است. در مقابل، یمن با میانگین امتیاز یازده ضعیف‌ترین وضعیت را داشته است. در اعتماد بین‌فردی تعمیم‌یافته، یمن و ایران به ترتیب با ۸۱ و ۳۱ بیشترین و کمترین امتیاز را به ثبت رسانده‌اند. در سطح اعتماد بین‌المللی، قطر و عراق به ترتیب با میانگین امتیاز ۶۰ و ۲۰ بیشترین و کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند.



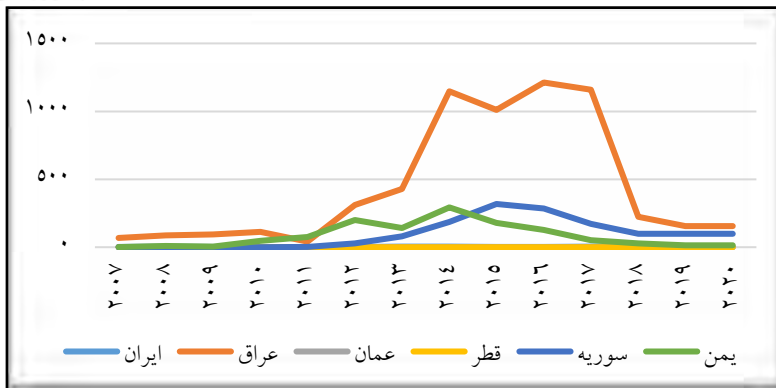
نمودار شماره ۴: میانگین اعتماد در کشورهای مورد مطالعه

۷) تروریسم

تغییر و تحولات تروریسم بر اساس سه شاخص گستره فعالیت (تعداد حملات)، شدت خشونت و تعداد گروه‌های تروریستی بدین ترتیب است:

گستره فعالیت (تعداد حملات)

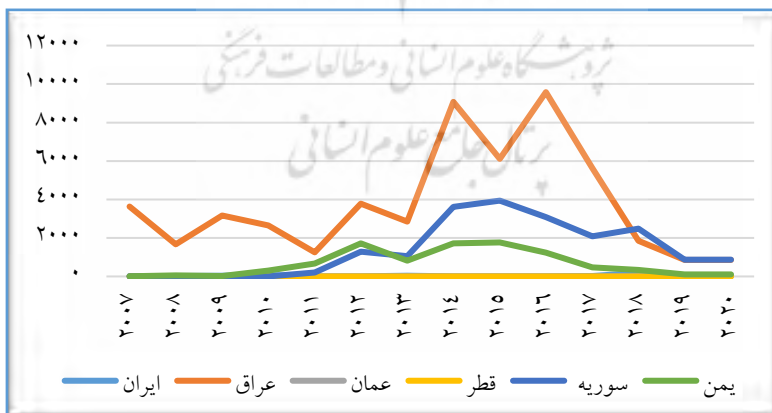
همان‌طور که در نمودار شماره ۵ نشان داده شده، بیشترین تعداد حملات تروریستی در عراق رخ داده است، به طوری که تعداد حملات در سال ۲۰۱۶ به ۱۲۱۲ افزایش پیدا کرد. در سال ۲۰۰۷، ۶۸ حمله تروریستی در عراق به وقوع پیوسته است که کمترین تعداد در سال‌های مورد مطالعه بوده است. در قطر و عمان هیچ حمله تروریستی در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ به ثبت نرسیده است. حتی در سوریه نیز تا سال ۲۰۱۱ هیچ حمله‌ای رخ نداد. کمترین و بیشترین حملات تروریستی در ایران نیز به ترتیب با صفر و ۹ حمله به سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۸ باز می‌گردد.



نمودار شماره ۵: روند تعداد حملات تروریستی در کشورهای مورد مطالعه

شدت خشونت

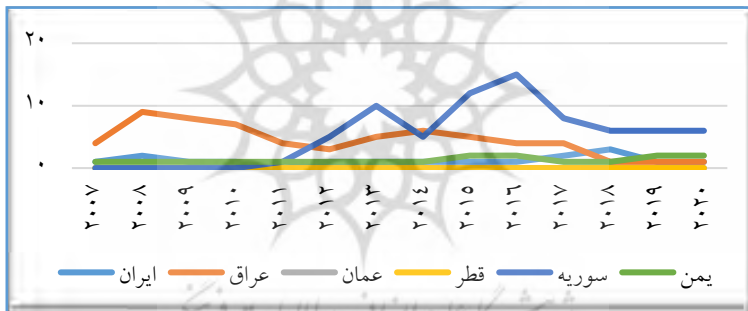
از حیث شدت خشونت، مجموع مجروحین و مرگ‌ها در عراق نسبت به سایر کشورها بسیار بالاتر بوده است. به طوری که حملات تروریستی در سال ۲۰۱۶، ۹۵۷۹ نفر مجروح و مرگ در پی داشته‌اند. در قطر و عمان نیز با توجه به اینکه هیچ حمله تروریستی رخ نداده، مجروح و کشته‌ای نیز برای آن وجود نداشته است. در ایران در سال ۲۰۱۸، ۱۸۷ نفر مجروح و کشته ثبت شده که بالاترین میزان تلفات این کشور در سال‌های مورد مطالعه بوده است. در نمودار زیر، مجموع مجروحین و مرگ‌ها در پی حملات تروریستی در هر سال برای کشورها نشان داده شده است:



نمودار شماره ۶: روند شدت خشونت گروه‌های تروریستی در کشورهای مورد مطالعه

تعداد گروه‌ها

برخلاف تعداد حملات و شدت خشونت، بیشترین تعداد گروه‌های تروریستی در دوره مورد مطالعه در سوریه به ثبت رسیده است، به طوری که پانزده گروه در سال ۲۰۱۶ حملات تروریستی انجام داده‌اند. ذکر این نکته مهم است که گرچه ممکن است گروه‌های تروریستی زیادی در کشورها وجود داشته باشند، اما در پژوهش حاضر، گروه‌هایی محاسبه شده‌اند که حداقل یک حمله تروریستی انجام داده‌اند. در این راستا، برای شمارش تعداد گروه‌ها، تعداد کشته‌ها و مجروحین لحاظ نشده‌اند و فقط حمله به عنوان معیار قرار گرفته است. به عنوان مثال، گروهی تروریستی که ساختمانی را منفجر کند، اما کشته و زخمی در پی نداشته باشد نیز در زمره تعداد گروه‌های تروریستی لحاظ می‌شود. بنابراین، گروه‌های تروریستی که حملات تروریستی انجام ندهند، در زمره تعداد گروه‌های تروریستی لحاظ نشده‌اند. در ایران در سال ۲۰۱۸ سه گروه تروریستی به ثبت رسیده‌اند که بیشترین مقدار طی سال‌های مورد مطالعه بوده است. در نمودار زیر، روند تحول تعداد گروه‌های تروریستی در کشورهای مورد مطالعه نشان داده شده است:



نمودار شماره ۷: روند تحول تعداد گروه‌های تروریستی در کشورهای مورد مطالعه

مجموع و میانگین تروریسم

همان‌طور که در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است، در کل سال‌های مورد مطالعه، مجموع حملات تروریستی در عراق ۶۲۰۵ مورد بوده و میانگین آن نیز ۴۴۳ حمله در سال بوده است. بیشترین تعداد گروه‌های تروریستی نیز در مجموع با ۷۴ گروه در سوریه بوده است. بر این اساس، در هر سال بیش از پنج گروه در این کشور عملیات تروریستی انجام داده‌اند. در نهایت، بیشترین شدت خشونت با تقریباً ۵۳ هزار کشته و مجروح در عراق به ثبت رسیده که این مقدار به معنای آن است که تقریباً چهار هزار نفر در هر سال در این کشور آسیب دیده‌اند.

جدول شماره ۴: مجموع و میانگین تروریسم در کشورهای مورد مطالعه

کشور / متغیر	تعداد حملات		تعداد گروه‌ها		شدت خشونت	
	میانگین	مجموع	میانگین	مجموع	میانگین	مجموع
ایران	۳	۴۴	۱/۲۱	۱۷	۳۷	۵۱۰
عراق	۴۴۳	۶۲۰۵	۴/۴۲	۶۲	۳۷۸۲	۵۲۹۴۹
قطر	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عمان	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سوریه	۹۷	۱۳۶۶	۵/۲۸	۷۴	۱۳۹۱	۱۹۴۸۰
یمن	۸۴	۱۱۸۰	۱/۲۸	۱۸	۶۶۵	۹۳۱۴

یافته‌های تحلیلی

برای تحلیل یافته‌ها نخست برای تعیین جهت رابطه از آزمون همبستگی پیرسون بهره برده می‌شود، سپس برای تبیین اینکه چند درصد از تروریسم توسط اعتماد قابل توضیح است، از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده می‌شود. ذکر این نکته مهم است که رابطه متغیرها نیز خطی می‌باشد.

تحلیل رابطه اعتماد و تروریسم بر اساس آزمون همبستگی

در جدول شماره ۵ رابطه سطوح مختلف اعتماد با مولفه‌های شدت خشونت، گستره فعالیت و تعداد گروه‌های تروریستی، نشان داده شده است. بر اساس مقادیر به دست آمده بین اعتماد نهادی و شدت خشونت با ضریب همبستگی (* $0/572$) و سطح معناداری ($0/032$)، می‌توان استدلال کرد رابطه در حد بالایی بین دو متغیر وجود داشته است. این مقادیر به این معناست که به هر میزان که اعتماد نهادی افزایش پیدا کرده، از شدت خشونت گروه‌های تروریستی کاسته شده است.

با توجه به مقادیر حاصل شده بین اعتماد بین‌المللی و تعداد گروه‌ها، یعنی ضریب همبستگی (* $0/597$) و سطح معناداری ($0/024$)، می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معناداری وجود داشته است. بر این اساس، به هر میزان اعتماد بین‌المللی یک کشور افزایش پیدا کرده، تعداد گروه‌های تروریستی آن نیز افزایش یافته است. در نهایت، بین هر سه سطح اعتماد و گستره فعالیت یا تعداد حملات گروه‌های تروریستی نیز رابطه معناداری وجود داشته است. از آنجا که جهت رابطه مثبت است، می‌توان گفت که با افزایش سطح اعتماد، تعداد حملات تروریستی نیز افزایش پیدا کرده‌اند.

جدول شماره ۵: رابطه اعتماد و تروریسم

تعداد حملات		تعداد گروه		شدت خشونت		اعتماد و تروریسم
معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	
۰/۰۴۳	۰/۵۴۷*	۰/۴۴۳	۰/۲۲۸	۰/۲۲۴	-۰/۳۴۷	اعتماد بین فردی تعمیم یافته
۰/۰۰۰	۰/۸۱۵**	۰/۱۹۸	۰/۳۶۶	۰/۰۳۲	-۰/۵۷۲*	اعتماد نهادی
۰/۰۰۰	۰/۹۱۰**	۰/۰۲۴	۰/۵۹۷*	۰/۱۰۲	-۰/۴۵۵	اعتماد بین المللی

تحلیل رابطه اعتماد و تروریسم با استفاده از رگرسیون

در این بخش تلاش می شود تا نشان داده شود که سطوح مختلف اعتماد تا چه اندازه قادر به تبیین تروریسم هستند.

رابطه اعتماد و تعداد گروه های تروریستی

بر اساس مناسب ترین مدل حاصل شده از تحلیل رگرسیون گام به گام (جدول شماره ۶)، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۳۵۷) بیانگر این می باشد که ۳۶ درصد از واریانس متغیر تعداد گروه های تروریستی با اعتماد نهادی تبیین شده است. همچنین، به ازای هر واحد تغییر در میزان اعتماد بین المللی، حدود (۰/۵۹۷) واحد در میزان تعداد حملات گروه های تروریستی تغییر حاصل شده است.

جدول شماره ۶: ضریب رگرسیونی اعتماد با تعداد گروه ها

گام	متغیر پیش بین	بتا	T	معناداری	R^2	R^2 تغییر	F	df
اول	اعتماد بین المللی	۰/۵۹۷	۲/۵۸۱	۰/۰۲۴	۰/۳۵۷	۰/۳۰۳	۶/۶۶۱	۱

رابطه اعتماد و تعداد حملات تروریستی

همان طور که در جدول شماره ۷ نشان داده شده است، بر اساس مناسب ترین مدل حاصل شده از تحلیل رگرسیون گام به گام، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۸۲۹) بیانگر این است که ۸۳ درصد از واریانس متغیر گستره فعالیت یا تعداد حملات با اعتماد بین المللی تبیین شده است. همچنین، به ازای هر واحد تغییر در میزان اعتماد بین المللی، حدود (۰/۹۱۰) واحد در میزان تعداد حملات گروه های تروریستی تغییر حاصل شده است.

جدول شماره ۷: ضریب رگرسیونی اعتماد با تعداد حملات

گام	متغیر پیش‌بین	بتا	T	معناداری	R ²	R ² تغییر	F	df
اول	اعتماد بین‌المللی	۰/۹۱۰	۷/۶۲۷	۰/۰۰۰	۰/۸۲۹	۰/۸۱۵	۵۸/۱۷۰	۱

رابطه اعتماد و شدت خشونت گروه‌های تروریستی

بر اساس مناسب‌ترین مدل حاصل‌شده از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام (جدول شماره ۸)، مقدار R² به‌دست‌آمده (۰/۳۲۸) بیانگر این است که ۳۳ درصد از واریانس متغیر شدت خشونت گروه‌های تروریستی، با اعتماد نهادی تبیین شده است. همچنین، به ازای هر واحد تغییر در میزان اعتماد بین‌المللی، حدود (۰/۵۷۲-) واحد در میزان تعداد حملات گروه‌های تروریستی تغییر حاصل شده است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که به هر میزان که اعتماد نهادی افزایش پیدا کند، از میزان شدت خشونت گروه‌های تروریستی کاسته می‌شود.

جدول شماره ۸: ضریب رگرسیونی اعتماد با شدت خشونت

گام	متغیر پیش‌بین	بتا	T	معناداری	R ²	R ² تغییر	F	df
اول	اعتماد نهادی	-۰/۵۷۲	-۲/۴۱۸	۰/۰۳۲	۰/۳۲۸	۰/۲۷۲	۵/۸۴۷	۱

یافته‌های استنباطی

بخشی از یافته‌های پژوهش با نتایج سیجمن، هلفشتاین و عسل، نگر و رثمیر اشتراک دارد. بدین صورت در جوامعی که اعتماد بیشتر باشد، تشکیل گروه‌های تروریستی سهل‌تر می‌شود، در مقابل، از میزان خشونت آنها کاسته می‌شود. نتایج این پژوهش با یافته‌های هلفشتاین از این جهت تفاوت دارد که او سرمایه اجتماعی را به عنوان یک کل و بدون در نظر گرفتن سطوح آن مورد سنجش قرار می‌دهد، در حالی که در این پژوهش، اعتماد در سطوح مختلف مورد سنجش قرار گرفته است.

بخشی از یافته‌های پژوهش با نتایج شمالیه نیز اشتراک دارد. او تشکیل گروه‌های تروریستی را با ضریب پایین سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی مرتبط دانسته است؛ اما در این مورد که اعتماد نهادی از شدت خشونت گروه‌های تروریستی می‌کاهد، تفاوت وجود دارد. در این مورد، یافته‌های پژوهش با نتایج ناسیو و اوپنهایم اشتراک دارد.

نتایج و یافته‌های این پژوهش در این مورد که افزایش ضریب اعتماد بین‌المللی باعث افزایش تعداد گروه‌های تروریستی و حملات آنها در غرب آسیا شده، با همه پژوهش‌ها تفاوت دارد. احتمالاً این موضوع به ریشه دوانیدن فرهنگ اسلامی در این منطقه و تمایل ضداجتماعی حاکمان

سلطنتی در کشورهای غرب آسیا - حل شدن در فرایند جهانی شدن و گرایش به لیبرالیسم - بازمی‌گردد. بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که چون نهادگرایی در این منطقه به بلوغ نرسیده است، شهروندان با تشکیل و پیوستن به گروه‌های تروریستی و افزایش دامنه حملات و شدت خشونت به این وضعیت پاسخ می‌دهند.

نتیجه‌گیری

تروریسم در غرب آسیا عمدتاً به صورت متغیری کلی و بدون نظرگرفتن مولفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، همواره سعی شده تا با استفاده از متغیرهای اقتصادی، سیاسی، روانشناختی یا فرهنگی به تبیین آن پرداخته شود. به همین جهت، تأثیر متغیرهای اجتماعی به‌ویژه اعتماد بر آن، مورد توجه چندانی قرار نگرفته است.

در این پژوهش با تمرکز بر اعتماد به عنوان یک متغیر اجتماعی و در نظر گرفتن سطوح مختلف آن، این نتیجه حاصل شد که سطوح مختلف اعتماد بر تعداد گروه‌های تروریستی، تعداد حملات و شدت خشونت اعمالی توسط آنها تأثیرات متفاوتی برجای می‌گذارد. به طوری که با افزایش اعتماد بین فردی تعمیم‌یافته، تشکیل یا تعداد گروه‌های تروریستی افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا گروه‌های تروریستی عمدتاً از بین آشنایان عضوگیری می‌کنند. همچنین این نتیجه به دست آمد که به هر میزان اعتماد نهادی در جامعه افزایش پیدا کند، از شدت خشونت گروه‌های تروریستی کاسته می‌شود؛ زیرا جامعه مدنی به عنوان سپری اجتماعی در مقابل آنها عمل می‌کند. یکی دیگر از یافته‌ها، رابطه میان افزایش تعداد گروه‌های تروریستی و حملات آنها با افزایش اعتماد بین‌المللی است. علت این موضوع احتمالاً به تضاد بین حکومت‌ها و شهروندان در منطقه غرب آسیا بازمی‌گردد؛ زیرا شهروندان مسلمان به سیاست خارجی حکومت‌ها (حل شدن در فرایند جهانی شدن و...) واکنش نشان می‌دهند.

فهرست منابع

- آذین، احمد و علی سیف‌زاده (۱۳۹۴)، «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی داعش در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۴)، ۲۷-۵۰.
- بهرامی، سیامک (۱۳۹۶)، «برداشتی سازه‌انگاران از ریشه‌های تروریسم در غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۰(۷۷)، ۲۷-۶۰.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۳)، «علل گرایش به تروریسم انتحاری»، ماهنامه برآورد، شماره ۱۷-۱۸.



- ثابت، زینب (۱۴۰۰)، *اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: شهروندان شهر رشت)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.
- خلیلی، رضا و سلمان دستافشان (۱۳۹۹)، «چارچوبی برای سنجش عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تروریستی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۳(۸۸)، ۷-۳۲.
- دمیرجان، کارون (۱۳۹۴)، «علل گرایش جوانان تاجیک به داعش از نگاه روزنامه آمریکایی»، *پایگاه خبری صدای ایران* به نقل از واشنگتن پست.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۹۱)، *اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- شاپوری، مهدی (۱۳۹۶)، «هزینه‌های اقتصادی تروریسم در غرب آسیا؛ بررسی تحلیلی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰(۷۷)، ۱۱-۱۴۲.
- شیخی، احمد (۱۳۹۶)، *دلیل گرایش به داعش اعتقادی نیست، محرومیت و فقر است*، قابل دسترس در: <https://www.rajanews.com/news/274070/>
- صنوبر، ناصر (۱۳۹۳)، *اقتصاد تروریسم*، تهران: انتشارات بورس (وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس).
- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۵)، *تولید اهریمن عوامل پیدایش دولت اسلامی عراق و شام*، ترجمه فاروق نجم‌الدین، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- علی، بختیار (۱۳۹۴)، *داعش، خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی*، ترجمه سردار محمدی، تهران: انتشارات مرکز.
- کلانتری، کیومرث و فاطمه نوری (۱۳۹۳)، «تروریسم مذهبی در فضای سایبر و راهکارهای مقابله با آن»، *اولین کنفرانس فضای سایبری و تحولات فرهنگی*.
- کلاهچیان، محمود و عبدالمحمود محمدی‌لرد (۱۳۹۶)، «استراتژی بازیگران و مسئله تروریسم در غرب آسیا»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰(۷۷)، ۶۱-۸۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۹)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا، سعید معیدفر و فاطمه گلایی (۱۳۹۰)، «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۱)، ۴۱-۷۰.
- نوربخش، یونس و منصور مهدی‌زاده (۱۳۹۴)، «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی - اجتماعی گرایش به آن»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۲(۲)، ۲۳۹-۲۶۲.
- وثوقی، منصور و هاشم آرام (۱۳۸۸)، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل)»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۳(۳)، ۱۳۳-۱۵۳.
- Çinar, B. (2009). *The root causes of terrorism*. ME TU Studies in Development.
- Asal, V. H., Nagar, N. A., & Rethemeyer, R. K. (2014). Building Terrorism from Social Ties: The Dark Side of Social Capital. *Civil Wars*, 16(4), 402-424.
- Bozorgmehri, M. (2019) A Study on Motivations and Objectives of Leaders and Simple Fighters in ISIS: Difference or Similarity. *The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World*, Vol. 8, No, 31.

- Fund for Peace. (2021). Human Rights and Rule of Law Index, Available at: <https://www.googleadservices.com/pagead/aclk?sa=>
- Grootaert, C., & Van Bastelaer, T. (Eds.). (2002). *Understanding and measuring social capital: A multidisciplinary tool for practitioners* (Vol. 1). World Bank Publications.
- Guillen, L., Coromina, L., & Saris, W. E. (2011). Measurement of social participation and its place in social capital theory. *Social Indicators Research*, 100(2), 331-350.
- Gurr, T. (1970). *Why Men Rebel*. Princeton: Princeton University Press.
- Helfstein, S. (2014), Social Capital and Terrorism, *Journal of Defence and Peace Economics*, 4 (23), 363-380.
- Hoffman, B. (2017). *Inside terrorism*. Columbia university press.
- Laqueur, W. (2006). *The new terrorism: Fanaticism and the arms of mass destruction*. Oxford University Press.
- Martin, G. (2017). Types of Terrorism. In: *Developing Next-Generation Countermeasures for Homeland Security Threat Prevention*. IGI Global. 81-95.
- Mathee, S. (2019). *The Globalising nature of terrorism and the manifestations and implications of new terrorism* (Doctoral dissertation, University of Pretoria).
- Matusitz, J. (2013). *Terrorism & Communication: A Critical Introduction*, SAGE Publications. Inc., London.
- Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage. *Academy of management review*, 23(2), 242-266.
- Nussio, E., & Oppenheim, B. (2014). Anti-Social Capital in Former Members of Non-State Armed Groups: A Case Study of Colombia. *Studies in Conflict & Terrorism*, 37(12), 999-1023.
- Prosperity. (2021). The Legatum Prosperity Index, Available at: <https://www.prosperity.com/>
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and schuster.
- Reitan, E. (2010). Defining terrorism for public policy purposes: The group-target definition. *Journal of Moral Philosophy*, 7(2), 253-278.
- Rotberg, R. I. (2002). The new nature of nation state failure. *Washington quarterly*, 25(3), 83-96.
- Sageman, M. (2004). *Understanding Terror Networks*. University of Pennsylvania Press.
- Schinkel, W. (2009). On the concept of terrorism. *Contemporary Political Theory*, 8(2), 176-198.
- Schmid, A. P. (2011). The definition of terrorism. In *the Routledge handbook of terrorism research* (pp. 39-157). Routledge.
- Seifi, A., Motaghi, S., Ebrahim, S., & Ahmadi, M. S. (2020). *Effect of terrorism activities on capital flight in the Middle East*. In *E3S Web of Conferences* (Vol. 157, p. 03017). EDP Sciences.
- Shamaileh, A. (2017). *Trust and Terror: Social Capital and The Use of Terrorism as A Tool of Resistance*. Taylor & Francis.
- SIPRI. (2021). Military expenditure, Available at: <https://www.sipri.org/research/armament-and-disarmament/arms-and-military-expenditure/military-expenditure>
- Stapley, C. (2009). Terrorism: Its Goals, Targets, and Strategies. In *Terrorism's unanswered questions*. ABC-CLIO.
- START. (2019). *Islamist terrorist attacks in the world 1979-2019*, Available at: <https://data.fondapol.org/en/non-classe-en/islamist-terrorist-attacks-in-the-world-1979-2019-2/>
- Szreter, S., & Woolcock, M. (2004). Health by association? Social capital, social theory, and the political economy of public health. *International journal of epidemiology*, 33(4), 650-667.
- Taylor, B. J. (2002). *Opportunity and discontent: An analysis of mass political violence throughout the world from 1975 to 1994* (Doctoral dissertation, Loyola University Chicago).
- Taylor, R. (2002). *The history of terrorism*. Lucent Books.
- The World Bank. (2021). Foreign direct investment, net inflows (BoP, current US\$), Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD>